



نهضت حسین بن علی (ع) براساس هویت انسان کامل سامان گرفت

آیت الله العظمی جوادى آملى با تاکید بر وجه عقلانى قیام سید و سالار شهیدان فرمودند: نهضت سالار شهیدان حسین بن علی بن ابیطالب برابر با هویت انسان کامل یعنی امام معصوم (سلام الله علیه) سامان پذیرفت.

آیت الله العظمی جوادى آملى با تاکید بر وجه عقلانى قیام سید و سالار شهیدان فرمودند: نهضت سالار شهیدان حسین بن علی بن ابیطالب برابر با هویت انسان کامل یعنی امام معصوم (سلام الله علیه) سامان پذیرفت. به گزارش خبرگزاری مهر، حضرت آیت الله العظمی جوادى آملى در نخستین برنامه از سلسله برنامه های "نهضت سیدالشهداء در مقام عقل و عدل" که به مناسبت ایام محرم الحرام که قبل از اخبار ساعت 21 از شبکه یک سیما پخش می شود با تاکید بر وجه عقلانى قیام سید و سالار شهیدان فرمودند: نهضت سالار شهیدان حسین بن علی بن ابیطالب برابر با هویت انسان کامل یعنی امام معصوم (سلام الله علیه) سامان پذیرفت. انسان کامل، حق مدار است و اگر قیام و نهضتی داشته باشد در مدار عقل و عدل سامان می پذیرد. متن کامل فرمایشات معظم له در اولین برنامه از "نهضت سیدالشهداء در مقام عقل و عدل" در ادامه تقدیم علاقمندان می گردد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

أعظم الله أجورنا و أجوركم بمصابنا بالحسين (عليه السلام) و جعلنا و إياكم من الطالبين لثاره (عليه الصلاة و عليه السلام)

نهضت سالار شهیدان حسین بن علی بن ابیطالب برابر با هویت انسان کامل یعنی امام معصوم (سلام الله علیه) سامان پذیرفت. انسان کامل، حق مدار است و اگر قیام و نهضتی داشته باشد در مدار عقل و عدل سامان می پذیرد. حق مداری انسان کامل را از آن بیان نورانی که درباره علی بن ابیطالب (سلام الله علیه) آمده است می توان استفاده کرد که «عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ» [1] علی از آن جهت که الگوی انسان کامل معصوم (علیه السلام) است بیانگر حقیقت همه معصومان اهل بیت (علیهم السلام) خواهد بود یعنی حسین بن علی (سلام الله علیهما) هم «يَدُورُ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُمَا دَارَ» این مطلب اول.

مطلب دوم آن است که این حقی که امیرالمؤمنین در مدار آن می گردد یا آن حق در مدار علی دور می زند حق فعلی است نه ذاتی. در قرآن کریم حق گاهی بر ذات اقدس الهی اطلاق می شود: ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ [2] این حق همان حقیقت بسیط نامتناهی است که مقابل ندارد و اگر احیاناً باطل در مقابل آن قرار می گیرد آن باطل، عدم ملکه نیست بلکه به معنای عدم و نیستی است و بطلان آن مربوط به صنم و وثن و مانند آن است آن حق که معنای هستی محض است مقابلش فقط عدم است اگر چیزی مقابل آن حق بود تقابلش به نحو تناقض است نه عدم و ملکه اما این حقی که انسان کامل در مدار اوست یا آن حق در مدار انسان کامل است این حق فعلی است؛ یعنی فعل خداست. در سوره مبارکه «آل عمران» و مانند آن آمده است: الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ [3] پس یک حق است به معنای ذات خدا که در دسترس احدی نیست یک حق است به معنای فعل خدا که صادر از خدا یا ظاهر از خدا سبحانه و تعالی است الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ و امیرالمؤمنین و انسان کامل (علیهم الصلاة و علیهم السلام) یعنی معصومان در مدار این حق می گردند «الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ».

مطلب سوم آن است که در تعیین مرجع ضمیر، اختلاف است که «يَدُورُ» به حق برمی گردد یا به علی بن ابیطالب «الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ يَدُورُ مَعَ الْحَقِّ» یا «يَدُورُ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ» کاملاً مستحضرید که محور بحث، فعل خداست نه ذات خدا، فعل خدا موجودی است ممکن، ببینیم آن فعل در مدار علی است یا علی در مدار آن فعل است.

مطلب بعدی آن است که این تعبیر درباره افراد دیگر مثل عمار یاسر و مانند آن آمده است که «عَمَّارٌ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ» [4] فرق جوهری این دو تعبیر آن است که در جریان «عمار مع الحق يدور معه حيث دار» این ضمیر «يَدُورُ» به عمار برمی گردد یعنی عمار در مدار حق می گردد و حق متبوع است و عمار تابع اما در جریان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) یعنی انسان کامل یعنی اهل بیت (علیهم السلام) یعنی حسین بن علی (صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین) این ضمیر به خود آن حق برمی گردد «الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ مَعَ حَسَنِ، مَعَ حُسَيْنٍ يَدُورُ» آن حق، مدار علی «حَيْثُمَا دَارَ» شاهدش هم دعای نبوی است که وجود مبارک پیامبر (علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) فرمود «أَلَلْهُمَّ أَدْرِ الْحَقَّ مَعَهُ حَيْثُمَا دَارَ» [5] خدایا حق را در مدار علی قرار بده هر جا علی هست.

مطلب بعدی آن است که خدا دوتا کار دارد یک حق را صادر یا ظاهر می کند با قول، یکی انسان کامل را ایجاد می کند با فعل. آیا ما قانون نوشته ای داریم که انسان کامل، عقاید و اخلاق و اعمالش را برابر آن قانون که جدای از وحی و نبوت است منطبق می کند یا آن حق؛ یعنی قول خدا، حکم خدا از راه انسان کامل به جامعه می رسد؛ یعنی ما یک قانون نوشته یا نانوشته ای در

جهان طبیعت نه ماورای طبیعت، آیا قانون نوشته‌ای در طبیعت، در قلمرو جامعه انسانی داریم که انسان کامل برابر آن عمل کند که این می‌شود یک فرد عادی یا نه، در ملکوت و فراطبیعت قانون الهی محفوظ است اما در عالم طبیعت، قانون الهی، حکم الهی، شریعت الهی از راه انسان کامل به جامعه می‌رسد. ما اگر خواستیم ببینیم قول خدا چیست حکم خدا چیست باید ببینیم انسان کامل چه کرده است چه می‌کند چه می‌گوید. در مقام اثبات و نه در مقام ثبوت، حق به معنای فعل نه حق به معنای ذات، در مقام کشف، جامعه اگر بخواهد قول خدا و حکم خدا را کشف کند منتظر است ببیند انسان کامل چه می‌گوید چه می‌کند چه چیزی را امضا می‌کند قول و فعل و تقریر انسان کامل. بنابراین بر اساس این تحلیل چند ضلعی، حق در مقام فعل را ما از سیره و سنت انسان کامل استنباط و ثابت می‌کنیم «الحقّ مع علیّ یدور معه حیث ما دار» و حسین بن علی همان انسان کامل معصومی است که می‌توان گفت: «الحقّ مع الحسین (علیه السلام) یدور معه حیث ما دار» نشانش اینکه وجود مبارک حسین بن علی گفتار رسمی‌اش این بود: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتْتَاهَى عَنْهُ» [6] سرفصل نهضت آن حضرت را حق مداری تشکیل می‌دهد که حق مداری اگر بخواهد تجلّی کند به صورت عقل و عدل مداری ظهور می‌کند لذا این برنامه به صورت نهضت سیدالشهداء (سلام الله علیه) در مدار عقل و عدل است که امیدواریم خدای سبحان توفیق ادراک این معارف، باور کردن این حقایق، تخلّق به اخلاق این معارف و عمل به این احکام و حکم را به امت اسلامی مرحمت کند!

«غفر الله لنا و لكم و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته»

پاورقی:

1. الفصول المختارة، ص 135. [1]
2. سوره حج، آیات 6 و 62؛ سوره لقمان، آیه 30. [2]
3. سوره بقره، آیه 147؛ سوره آل عمران، آیه 60؛ سوره یونس، آیه 94. [3]
4. علل الشرايع، ج 1، ص 223. [4]
5. شرح نهج البلاغة لابن ابی الحديد، ج 17، 249. [5]
6. تحف العقول، النص، ص 245. [6]